

بررسی تاثیر رویکرد ساختارگرایانه بر خودآگاهی دانش آموزان

زهرا قیصریگی^۱، شکوفه زرگوش^۲، مریم بیوک^۳، کوثر شیخی^۴

^۱ آموزگار ابتدایی استان ایلام، شهرستان سیروان (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی آموزگار ابتدایی استان ایلام، شهرستان بدره

^۳ دانشجو معلم دانشگاه فرهنگیان

^۴ دانشجو معلم دانشگاه فرهنگیان

چکیده

مقاله حاضر از نوع مروری - کتابخانه ای است که با توجه به نظرات اندیشمندان به رشته تحریر در آمده است. هدف از نگارش این مقاله بررسی تاثیر رویکرد ساختارگرایانه بر خودآگاهی دانش آموزان است. نتیجه نشان می دهد که رویکرد ساختارگرایانه بر روی خودآگاهی دانش آموزان تاثیر مستقیم و مثبتی دارد. مهارت خودآگاهی را در حقیقت می توان به مثابه آینه تمام نمایی دانست که برخلاف آینه های معمولی، که فقط یک بعد و لایه از وجود ما را به ما نشان می دهند، همه یا عمده لایه ها و ابعاد وجودیمان را به ما می نمایاند.

واژه های کلیدی: رویکرد ساختارگرایانه، خودآگاهی، دانش آموزان

مقدمه

یکی از فرضیات اساسی رویکرد انسانگرایی، انگیزش اساسی انسان یعنی خودشکوفایی است. همچنین، خودشکوفایی، حرکت کردن و گرایش بی وقفه به سمت وحدت و یکپارچگی درونی است (مازلو ۱۹۷۰، ترجمه رضوانی، ۱۳۷۲)؛ به نقل از رفعت پناه، ۱۳۹۲). در تلاش برای فراهم کردن زمینه های رشد استعدادهای بالقوه، رسیدن به خود شکوفایی، دستیابی به خودآگاهی نیز عامل مهمی محسوب می شود (شنیدر، دود و جاناز، ۲۰۰۸؛ به نقل از رفعت پناه ۱۳۹۲). بندورا نخستین بار در نظریه خود، مفهوم خودکارآمدی را مورد استفاده قرار داده است. وی در سال ۱۹۹۷ بیان داشته که باورهای خودکارآمدی مهمترین عامل در تبیین رفتارهای انسانی اند، زیرا کلیدهای اصلی فعالیتهای وی محسوب میشوند این باورها در جنبه های مختلف زندگی نقش مهمی دارند (محسنی، ۱۳۸۳؛ نقل از امامی نیا، ۱۳۹۲). خود به عنوان هسته مرکزی شخصیت، شکل یا صورت سازمان یافته از ادراک مربوط به خویشتن تلقی میشود که میتواند موضوع آگاهی قرار گیرد، در این صورت خود، مرکب از عناصری مانند: ادراکات فرد از خصوصیات و استعدادهای خود، ادراکات و استنباط هایی که فرد از خود در ارتباط با دیگران و محیط دارد، کیفیات ارزشی که همراه تجربیات و اشیا درک شده اند و آرمان هایی که دارای جنبه های مثبت و منفی هستند و به همین صورت درک شده اند، میباشد (رواتسون، ۱۳۶۶؛ به نقل از امامی نیا، ۱۳۹۲).

امروزه شیوه های جدید و فعال در یادگیری نقش اساسی را بر عهده دارند، اما این شیوه ها باید به گونه ای به کار گرفته شوند که دانش آموزان به جای ذخیره سازی اصول و مطالب علمی، درگیر مسائل اصلی زندگی شوند و مشکلاتی را که با زندگی واقعی آنان مرتبط است یاد بگیرند، زیرا روش های تدریس ابتکاری و منطبق با زندگی، موقعیت آموزشی را جذابتر و رغبت و تلاش فراگیران را در یادگیری افزونتر میکند (میرز، ۱۳۷۴).

ساختن گرایان معتقدند که ساختار دانش چیزی نیست که خارج از ذهن شاگرد وجود داشته باشد، بلکه ساختار دانش حاصل تعامل مستمر با سازه های موجود و آزمایش و پالایش بازنمایی های ذهنی آن برای یافتن درک صحیح تری از جهان خارج است و بر این اساس، فعالیت یادگیری باید محور توجه قرار گیرد، نه فرآیند آموزش (فردانش، ۱۳۸۸).

الگوی طراحی آموزشی پنج مرحله ای روشی موثر برای فعال ساختن یادگیرنده در فرایند یادگیری است. این الگو در اوایل دهه ی ۱۹۸۰ از سوی راجر باببی مطرح شده است. فرایند یادگیری در این الگو به گونه ای است که ابتدا دانش آموزان از طریق یک فعالیت ساده یا بحث درباره آن برانگیخته می شوند تا فعالانه به یادگیری بپردازند. در ادامه به منظور کسب تجربه، معلم دانش آموزان را به گونه ای هدایت میکند که با شرکت در فعالیتهای گروهی به جستجو و کاوش بپردازند. معلم دانش آموزان را در مسیر تفسیر یافته ها و تبیین دستاوردهای خود به سویی هدایت میکند که بتوانند با گسترش درک و فهم خویش، آموخته های جدیدی را در شرایط جدید به کار گیرند و به ارزشیابی فعالیت های یادگیری بپردازند. فعال سازی، اکتشاف، توضیح، شرح و بسط، ارزشیابی مراحل پنج گانه ای هستند که اساس این الگو را تشکیل میدهند (رضوی، ۱۳۹۰).

بیان مساله

نگرش، مجموعه ای از باورهای رشد یافته در مورد موضوعی خاص، در یک دوره زمانی مشخص و در یک موقعیت فرهنگی اجتماعی است که ضرورتاً تعیین گر رفتار نیست، اما میتواند تأثیر بسزایی بر رفتار داشته باشد و به شکل گیری اعمال و رفتارهای، منفی و مثبت از جانب فرد منجر شود. موضوع نگرش می تواند شامل هر شیء یا شخص قابل تشخیص در ذهن فرد

باشد. نگرش ها در برگیرنده پاسخ های شناختی و رفتاری و عاطفی هستند و بر خلاف نظریه های پیشین، این سه پاسخ ضرورتاً از یکدیگر تفکیک ناپذیر بوده و لزوماً به عنوان عامل های مستقل از هم شناخته نشده اند (ورما، ۲۰۰۸).

جمله موضوع های نگرشی مهم، نگرش به تحصیل و آموزش است و نگرش دانش آموزان در کلاس های درس و محیط های آموزشی در ایجاد نگرش مثبت و سازنده در فراگیران نسبت به هر یک از موضوع های یادگیری اشاره دارد می شود (دورمن، ۲۰۰۸).

خودآگاهی اولین قدم جهت آشنایی نزدیک با جنبه های مثبت و منفی خود محسوب می شود. واضح است هرچه تداوم این توجه بیشتر باشد، امکان خودارزیابی صحیح و انتخاب مسیرهای واقع بینانه در زندگی نیز بیشتر خواهد شد (سبزی، ۱۳۹۲). خودکارآمدی به عنوان بخش مهمی از سیستم خود به توانایی ادراک شده فرد در انجام یک تکلیف یا کنارآمدن با موقعیت های خاص اطلاق می شود و در عملکرد مناسب کنشوری های بهینه و سلامت روان آدمیان نقش دارد (بندورا، ۱۹۹۷). طبق نظر بندورا، ناکارآمدی ادراک شده نقش مهمی در افسردگی، اضطراب، استرس و دیگر حالت های عاطفی بازی میکند. همچنین میتواند منجر به احساسات و باورهای پوچ گردد (امامی نیا، ۱۳۹۲). خودکارآمدی ضعیف میتواند انگیزش را نابود و آرزوها را کم سازد، با توانایی شناختی تداخل نموده و تأثیر نامطلوب بر سلامت جسمانی بگذارد (امامی نیا، ۱۳۹۲).

ضرورت و اهمیت پژوهش

از جمله مدل های آموزشی که میتواند از اهمیت بالایی در زمینه یادگیری دانش آموزان مورد توجه باشد مدل چرخه یادگیری مبتنی بر رویکرد اکتشافی است. مدل چرخه یادگیری، روشی است که با ماهیت اکتشافی و شیوه ای که دانش آموزان به طور طبیعی یاد میگیرند، سازگار است. مدل چرخه یادگیری به گونه ای است که ابتدا دانش آموزان از طریق یک فعالیت ساده یا بحث درباره آن، برانگیخته میشوند تا فعالانه به یادگیری بپردازند، در ادامه به منظور کسب تجربه، معلم آنها را به گونه ای هدایت میکند که با شرکت در فعالیت های گروهی به جستجو و کاوش بپردازند. او دانش آموزان را در مسیر تفسیر یافته ها و تبیین دستاوردهای خود، به سویی هدایت میکند که بتوانند با گسترش درک و فهم خویش، آموخته های جدید را در شرایط جدید به کار گیرند و به ارزشیابی فعالیت های یادگیری بپردازند (رضوی، ۱۳۸۶).

تا زمانی که فرد از استعدادها و ظرفیت های وجودی و نقاط قوت و ضعف خود و همچنین از ویژگی های درون فردی و شخصیتی خود، آگاهی لازم را کسب نکرده باشد، پی به ارزش های وجودی خود نمی برد و تلاشی در جهت شکوفا سازی این ارزشها و استعدادها نخواهد داشت. خودآگاهی عبارت است از آگاه بودن فرد از انگیزه ها، ترجیح ها، شخصیت و دانستن این موضوع که چطور قضاوت ها، تصمیم ها و تعامل های فرد بر دیگران تأثیر می گذارد. دست یابی به خودآگاهی امری مهم در جهت فهمیدن نیازهای رشد شخصی است. فرد با داشتن آگاهی بیشتر میتواند در موقعیت های مختلف خود را کنترل و زمینه رشد استعدادهایش را فراهم کند (رفعت پناه، ۱۳۹۲).

خودآگاهی فرد را در درک ارزشها، خواسته ها، نیازها، تمایلات، قوت ها و ضعف هایش توانا میسازد. از طریق خودآگاهی فرد میتواند رفتارهایی که دوست دارد را شناسایی کرده و تغییر دهد. این گشودگی به مسیرهای متفاوت است که، به فرد آزادی بیشتر در انتخاب ها و عمل کردن به شیوه ای که بیشتر با حالات درونی انسان متناقض است را میدهد. از سوی دیگر فردی که

فاقد خودآگاهی است تمایل به فرافکنی انگیزه ها و اهداف خود به سمت دیگران، بدون توانایی تمایز بین ادراکات خودش و واقعیت ها دارد.

خودآگاهی

خودآگاهی یک مفهوم اصلی در پیشرفت افراد است و به عنوان ادراک نسبتاً درست و کامل افراد از خصوصیات خود و ویژگی های محیط شان تعریف می شود. خودآگاهی ادراک درست و واقع بینانه از ارزش ها، علایق، مهارت ها، محدودیت ها و رجحان های زندگی شخص است. خودآگاهی به عنوان یک صفت شخصیتی و مهارتی تصور میشود که گفته شده است در تنظیم عملکرد افراد و کسب برتری نقش مهمی بازی می کند (صالح بلوردی و شریفی، ۱۳۸۹).

نخستین و زیربنایی ترین مهارت از مهارت های دهگانه زندگی، مهارت خود آگاهی است. کسب مهارت خودآگاهی، نقش مهمی در سلامت و بهداشت روان دارد. خودآگاهی، توانایی شناخت خود و آگاهی از ویژگی ها، نقاط ضعف و قوت، خواسته ها، ترسها و انزجارهاست. توصیف ویژگی های اخلاقی و رفتاری خود برای دیگران، کاری دشوار است. برای مثال، ممکن است پاسخ به این سؤال که چه کسی هستیم، سخت و دشوار باشد. بیشتر ما فقط درباره ویژگی های کلی و عمومی خود از جمله سن، جنس، نام خانوادگی، تحصیلات و وضعیت شغلی خود صحبت می کنیم ولی از ویژگی های شخصیتی و رفتاری خود اطلاعات کافی و مناسبی نداریم. برای مثال، نمیدانیم چه کارهایی را خوب میتوانیم انجام دهیم؟ چه ویژگیهای اخلاقی خوب و مثبتی داریم؟ به چه علت مهربان هستیم و چه ویژگی های منفی اخلاقی داریم؟ (مرکز پژوهش های صدا و سیما، ۱۳۹۰).

رشد خودآگاهی به فرد کمک میکند که دریابد دچار استرس است یا نه و این اغلب، پیش شرط ضروری روابط اجتماعی و روابط بین فردی مؤثر و همدلانه است. به طور کلی در مهارت خودآگاهی می آموزیم:

۱- با تکیه بر نقاط قوت خود، برای بهبود نقاط ضعف بکوشیم. آگاهی از نقاط ضعف موجب میشود که فرد بتواند تسلط بیشتری بر خود داشته باشد.

۲- احساسات خود را بشناسیم. لازم است افراد حداقل شناخت را نسبت به احساسات خود داشته باشند. فردی که از احساسات خود آگاه باشد، می تواند آنها را کنترل کند. ناتوانی در کنترل و مهار احساسات، می تواند به اعتیاد و خشونت بینجامد.

۳- نیازهای خود را بشناسیم و یاد بگیریم که از مسیرهای سالم، آنها را مرتفع کنیم.

۴- در زندگی، اهداف حقیقی را دنبال کنیم و از دنبال کردن اهداف غیرحقیقی، تخیلی و بلندپروازانه بپرهیزیم؛ زیرا اهداف غیر حقیقی موجب ناکامی و به تبع آن، خشم و خشونت می شود.

۵- خودآگاهی، حس ارزشمندی به ما میبخشد و به ما کمک میکند به جای ارزشهای کاذب، در پی ارزش های حقیقی باشیم و از زندگی رضایت کافی داشته باشیم (امامی نائینی، ۱۳۸۳).

موانع رشد خودآگاهی

۱- توقع ها و انتظارات بیش از حد

نخستین نشانه توقع های نابه جا، بیش از حد خودخواهانه بودن آنهاست. دومین نشانه انتظارات نابه جا، این است که بخواهیم توقع ها و انتظارات ما برآورده شوند، بدون اینکه خود قدمی در این راه برداریم یا بکوشیم. شخص متوقع، اگر تنها باشد و به هم صحبتی کسی نیازمند باشد، به کسی تلفن نمیزند و به سراغ کسی نمیرود، بلکه انتظار دارد طرف مقابل آغازگر باشد. سومین نشانه، عنادآمیز بودن این توقعات است، به گونه ای که افراد پرتوقع، خواهش خود را پرخاشگرانه و همراه با عناد ابراز میکنند. علت عنادآمیز بودن توقعات نابه جا این است که برآورده نشدن این توقعات از نظر شخص، به منزله شکست یا احساس بی ارزشی است. درجه آگاهی افراد از توقع های نابه جا خود متفاوت است.

هرچه نظر شخص به خود و دیگران، بیشتر تحت تأثیر تخیل باشد، به همان اندازه می فهمد که نیازها و توقع هایش غیر معقول است. برخی افراد از توقعات و امتیازاتی که برای خود قایل هستند، آگاهی دارند، ولی از غیر منطقی و غیر موجه بودن آن بی خبر هستند. برای مثال، توقع دارند دیگران مطابق میل آنان رفتار کنند، ولی از علت این امر باخبر نیستند. توقع های بیش از حد و نابه جا، روی شخصیت و زندگی هر فرد آثار و نتایج زاینباری بر جای میگذارد و ممکن است احساس محرومیت و سرخوردگی و نارضایتی دائمی ایجاد کند و شخص را نراضی و از همه طلبکار بار بیاورد (امامی نائینی، ۱۳۸۳).

۲- زیاده طلبی

زیاده طلبی، شامل افکار و رفتارهای خودتخریب گرایانه ای است که هدفشان رسیدن به اهداف افراطی و غیر واقعگرایانه است. اگر شما فردی زیاده طلب باشید، در کودکی آموخته اید که دیگران با توجه به میزان کارایی شما در انجام کارها، برای شما ارزش قایل هستند و در صورتی به خود بها می دهید که مورد قبول دیگران قرار بگیرید. بنابراین، اعتماد به نفس شما بر اساس معیارهای خارجی پایه ریزی شده است. این امر می تواند شما را نسبت به نظرها و انتقادهای دیگران آسیب پذیر و به شدت حساس کند. کوشش برای حمایت از خود و رهایی از اینگونه انتقادهای سبب می شود کامل بودن را تنها راه دفاع خود بدانید برخی احساسات، افکار و باورهای منفی با زیاده خواهی مرتبط هستند، مانند ترس از بازنده بودن، ترس از اشتباه کردن، ترس از نارضایتی، همه یا هیچ پنداری، تأکید بسیار بر روی بایدها، اعتماد داشتن به این امر که دیگران به آسانی به موفقیت میرسند. افراد تمامیت خواه اغلب، پذیرفته نشدن و طرد شدن از سوی دیگران را پیش بینی میکنند و از آن می ترسند. با این ترس، آنها در مقابل انتقاد دیگران حالت دفاعی به خود میگیرند و دیگران را از خود دور می سازند (امامی نائینی، ۱۳۸۳).

۳- غرورها

شاید ما نیز تجربه کرده باشیم که با وجود کوشش بسیار برای کامل بودن و رسیدن به ایده آله، احساس کنیم هنوز به آنچه که دلخواه مان است، نرسیده ایم. شاید برخی از ما با وجود اینکه تصور میکنیم به کمال و عظمت رسیده ایم، احساس ارزشمند بودن نکنیم و به خود احترام نگذاریم، اگرچه در تصور، خود را دارای قدرت های نامحدود و متمایز میپنداریم. مهم ترین دلیل این احساسات آن است که منشأ و مبدأ اعتماد به نفس واقعی با غرورهای کاذب، به کلی متفاوت است. اعتماد به نفس که منشأ رشد خود حقیقی است، بر مبنای صفات، فضایل شایستگی ها و استعدادهایی حقیقی قرار دارد که در وجود انسان است، در حالیکه غرورهای نامعقول، از نتایج خود ایده آلی و بی احساسی سرچشمه میگیرند؛ یعنی این غرورها یا بر مبنای صفات و شایستگی های تصویری و تخیلی است یا اگر صفات و شایستگی هایی نیز در شخص وجود داشته باشد، احساس غرور نسبت به آنها بسیار مبالغه آمیز است.

غرور، احساس بدی است که به شدت انسان را آسیب پذیر و مستعد رنجش های بیجا میکند. به طور کلی، غرور اصلی را که منشأ هزاران غرور فرعی مختلف است، میتوان به شش دسته تقسیم کرد: غرور عقل و اراده، غرور خودبزرگ بینی یا مهم بودن، غرور خواستنی بودن یا محبوب بودن، غرور آزادی مطلق، غرور شجاعت و غرور عدالت (امامی نایینی، ۱۳۸۳).

انواع خود

۱- خود جنسیتی

خود جنسیتی تصور یا برداشتی است که هرکس از هویت و تمایلات جنسی خود دارد. به عبارت دیگر آیا شخص از زن یا مرد بودن خود احساس رضایت دارد؟

۲- خود اجتماعی

خود اجتماعی به تصویری که فرد از جایگاه اجتماعی خود دارد گفته می شود که دیگران ما را چگونه می بینند؟ چگونه در گروه ها ظاهر می شویم؟ در اجتماع چه نقش هایی باید داشته باشیم؟ چه نقش هایی نباید داشته باشیم؟

۳- خود معنوی

خود معنوی، تصور شخص از اعتقاداتش است که عملاً به زندگی و باورهای مذهبی او معنا می بخشد برای مثال: آیا مذهبی هستیم؟ به زندگی پس از مرگ باور داریم؟

۴- خود تاریک

جنبه ای از خود است که در بر گیرنده اسرار ماست. چون دوست نداریم فاش شود، معمولاً انرژی زیادی برای مخفی نگه داشتن آن مصرف می کنیم.

۵- خود آرمانی

آن بخش از ماست که می خواهیم به آن برسیم دائم در این فکر هستیم که چگونه به نظر می آییم با نگاه به زندگی دیگران، در ذهن خود تصویری از خود می سازیم که دوست داریم آن باشیم.

۶- خود واقعی

درونی ترین بخش وجودی ماست که آن را به خود می شناسیم، ولی افراد محدودی از آن آگاهند. ممکن است آن را از دیگران مخفی کنیم، چون نگرانیم از اینکه اگر دیگران خود واقعی ما را بشناسند ممکن است علاقه شان را به ما ازدست بدهند(نوری، ۱۳۸۳ ؛ به نقل از پژوهان، ۱۳۸۹).

ویژگی های فرد خودآگاه

- خصوصیات مثبت و توانایی و استعداد های خود را می شناسد و به آنها افتخار می کند.
- خصوصیات منفی و نقاط ضعف خود را می شناسد، آنها را می پذیرد و در جهت اصلاح آنها تلاش میکند.
- موفقیت ها و شکست های خود را می شناسد، به موفقیت هایش افتخار می کند و از شکست هایش درس میگیرد.
- به خود و دیگران احترام میگذارد.
- مسئولیت اعمال و رفتار خود را می پذیرد.
- برای خود ارزش قائل است.
- از روحیه انتقاد پذیری برخوردار است.
- نسبت به ارزش ها و اعتقاداتش آگاهی کامل دارد.
- احساس خشنودی و رضایت خاطر زیادی دارد.
- در مقابل فشار و ضربه های روانی اجتماعی مقاومت بیشتری از خود نشان می دهد.
- به دنبال سرزنش یا تحقیر دیگران نیست.
- اغلب از روحیه مثبت اندیشی برخوردار است.
- روحیه مشارکت و همکاری بالایی دارد.

از مشورت با دیگران و افراد صاحب نظر استقبال میکنند(نوری، ۱۳۸۳ ؛ به نقل از پژوهان، ۱۳۸۹).

ساختار گرایی

ساختار گرایی، رویکردی در تحقیق است که بر ویژگیهای نظامند پدیده ها بخصوص ارتباط های میان عناصر یک نظام، تأکید دارد. برای مثال کتاب را میتوان به عنوان نظامی نگریست که شامل عناصر مختلفی است که در ساختار خاصی سازمان یافته اند: فصول، فهرست اعلام، پاورقی ها، صفحات، عناوین، نقل قول، معرفی منابع و نظیر آن. براساس نظریه ساختار گرا، معنای هر یک از این عناصر را تنها با ملاحظه ی ارتباط آن با دیگر عناصر نظام میتوان معین نمود. ساختار گرایی به عنوان یک سنت پژوهش کیفی، در زبان شناسی با کار فردینان دوسو سور در ابتدای قرن حاضر آغاز شد و سپس توسط پژوهشگرانی در رشته های دیگر، از جمله ژان پیاژه در روان شناسی، باسیل برنشتاین در جامعه شناسی، کلود لوی اشتراوس در مردم شناسی و ژاک دریدا و رولان بارت در ادبیات و تحقیقات رسانه ای، تحول یافت. (گال و همکاران، ۱۳۸۲).

ساختارگرایی به معنای جستجوی قوانین ، کلی و تغییر ناپذیر بشریت با عملکردی در همه سطوح زندگی بشری از ابتدایی گرفته تا پیشرفته ترین سطح آن میباشد(ریتزر، ۱۳۸۱).

ساختارگرایی در رابطه معلم شاگرد

ساختارگرایی بر اهمیت ساختن دانش از طریق ارتباط دادن پیش آموخته ها با آموخته های جدید تأکید می ورزد. در ساختارگرایی ارتباطاتی بین یادگیری جدید و پیشین جستجو میشود. پژوهشگران و نظریه پردازان اظهار می کنند که عنصر اصلی نظریه ساختارگرایی آن است که یادگیرندگان فعالانه به ساخت دانش خود، مقایسه اطلاعات جدید با اطلاعات پیشین و به استفاده از همه موارد مورد نیاز برای یادگیری اقدام میکنند. ساختارگرایان بر این باورند که واقعیت دریافت شده از سوی یادگیرندگان ، نتیجه تجارب آنان است. به دیگر سخن ، آنان واقعیت را چیزی میدانند که ساخته خود فرد است. همچنین ، ساختارگرایان بر این باورند که یادگیری حل مسئله بر پایه ی اکتشاف فردی است و یادگیرنده به نحو درونی برانگیخته میشود. دانش آموز به محیطی علاقه دارد که ایجاد انگیزه می کند و در آن به تمرکزش توجه میگردد(آقازاد، ۱۳۹۰).

پیشنهاد ۱۲ ویژگی برای محیط های یادگیری ساختارگرا

۱. تقویت، ترغیب و پذیرش اختیار و ابتکار دانش آموز . برای مثال می توان، مسئولیت تدریس بخشی از محتوای یک یا چند درس را به دانش آموزان سپرد آنان را برای تنظیم و ارائه اثرگذار محتوا یاری کرد.
۲. استفاده از داده های خام و منابع دست اول برای دست ورزی و برقراری تعامل در کلاس درس. رفتارگرا، محتوای مطالب بصورت آماده به دانش آموز ارائه می شوند، در حالیکه در کلاس درس ساختارگرا تلاش میشود، داده های خام به دانش آموز داده شوند تا او با دست ورزی اطلاعات، به آماده سازی محتوا بپردازد. برای مثال: اطلاعات آماری مربوط به میزان آب مصرفی خانوادهها به دانش آموز داده و از او خواسته میشود، دادههای آماری را تجزیه ، تحلیل و تفسیر کند.

۳. بهره گیری از مهارت های فکری یا مهارت های فرآیندی برای شکل دهی و تدوین محتوای فعالیت های کلاسی همچنین آماده سازی محتوای برنامه درسی رسمی برای دانش آموزان یکی از وظایف عمده ی معلم است. او می تواند از مهارت های تفکری، نظیر مقایسه ، تجزیه و تحلیل و تفسیر بهره بگیرد و محتوای درس را بر مبنای آنها عرضه کند
۴. هدایت و ایجاد تغییر در راه راهبردهای آموزشی و ایجاد تغییر در محتوا براساس واکنش های دانش آموزان
۵. بررسی میزان درک و فهم دانش آموز از مفاهیم، پیش از تشریک مساعی او با سایر دانش آموزان.
۶. ترغیب دانش آموز به گفت و گو با معلم و گفت و گو با همدیگر
۷. ترغیب دانش آموز به کاوش از طریق پرسشهای سوالهای تفکر برانگیز
۸. تشویق دانش آموزان به شرح و بسط پاسخهای اولیه
۹. در نظر گرفتن زمان انتظار برای پاسخگویی
۱۰. فراهم آوردن فرصت برقراری ارتباط برای دانش آموزان.
۱۱. پرورش حس کنجکاوی طبیعی دانش آموزان.
۱۲. درگیر کردن دانش آموزان با تجربه هایی که تعارض ایجاد میکند (بروکس، ۱۹۹۳).

مزایای روش ساختارگرایی

کاری که ساختارگرا می کند، هدایت ما به هسته ی مسئله یا مهم ترین جنبه های موضوع مورد مطالعه ، در عمق جریانی است که در سطح میگذرد. ساختارگرایی نه فقط عناصر اصلی بلکه روابط میان آنها یا به عبارت دقیق تر، قواعد حاکم بر آنها را نیز طبقه بندی میکند ساختار گرایی مفهومی متفاوت از ساختار را در اختیار ما میگذارد تا روابط میان آنها، ولی ساختارگرایی اولویت را به روابط می دهد (کرایب، ۱۳۸۱).

ساختارگرایی از نظام فکری بسیار انتزاعی برخوردار است، که میتوان با آن سطح دقت تحلیلی را بالا برد و همین طور ساختارگرایی امکان الگوسازی صوری و نیز کاربرد فنون پیچیده ی آماری و ریاضی را نوید میدهد. این نظریه همچنین یک نوع چشم انداز فرا تاریخی را در مورد زندگی اجتماعی فراهم میسازد. بالاتر از همه چشم اندازی را به دست میدهد که پهنه ی گسترده تری دارد و میتواند هر چیزی از ساختار ذهنی و جامع گرفته تا ساختار جهان طبیعی را مورد بررسی قرار دهد. کار گافمن با نام تحلیل چهارچوب ، گرایش جامعه شناسی را به ساختارگرایی نشان میدهد. او به فراسو و ماورای موقعیتهای روزانه نگاه می کرد تا ساختارهایی را پیدا کند که به گونه ای نامرئی بر این موقعیت ها تسلط دارند. گافمن این ساختارهای نامرئی را چهارچوب مینامد (ریترز، ۱۳۸۱).

معایب ساختارگرایی

در این نظریه به جای این فرض که جامعه به عنوان محصول تعاملات فردی یا توسعه ی نمادین روح انسانی و یا محصول قوانین زیر بنای تولید اقتصادی است، بر مجموعه های در حال تغییر نشانه ها و رمزها که فعالیتهای مختلف اجتماعی را ممکن میسازد تاکید میکند(هوارث، ۱۳۸۶).

تفکر ساختارگرایانه نقطه ضعف هایی دارد که جاذبه ی آن را به عنوان یک چهارچوب نظری کلی در جامعه شناسی محدود میکند . یکی از نارسایی های این روش تقلیل گرایی است نادیده گرفتن سطوح ظاهری و جنبه های فرعی معنادار و کاهش به شالوده ی اصلی از مشخصه های، تقلیل گرایی است . حال آنکه همین سطوح ظاهری و فرعی میتواند بر غنای مطالب یا پیچدگی آن بیافزاید(کرایب، ۱۳۸۱).

نتیجه گیری

مطابق با مواردی که در این مقاله بیان شد، رویکرد ساختارگرایانه بر روی خودآگاهی دانش آموزان تاثیر مستقیم و مثبتی دارد اما باید از این نکته غافل نشد که این رویکرد نیز مانند رویکردهای دیگر مزایا و معایبی دارد که باید مدنظر مجریان تعلیم و تربیت قرار گیرد.

مهارت خودآگاهی را در حقیقت می توان به مثابه آینه تمام نمایی دانست که برخلاف آینه های معمولی، که فقط یک بعد و لایه از وجود ما را به ما نشان می دهند، همه یا عمده لایه ها و ابعاد وجودیمان را به ما می نمایند . ما در آینه تمام نمای مهارت خودآگاهی میتوانیم نقاط قوت و ضعف، ویژگی ها، خلق، علائق، سلائق، ترجیحات، استعدادها و ده ها ممیزه منحصر به فرد خویش به عنوان موجودی بی همتا را شناخته و با این شناخت در مسیر شکوفایی خویش و استعدادهای سرشارمان قدم برداریم.

علت بالا بودن میزان یادگیری دانش آموزانی که با روش تدریس ساختارگرایانه آموزش دیده اند این است که مراحل پنجگانه این روش (فعالسازی، اکتشاف، توضیح، شرح و بسط و ارزشیابی) به نوعی است که دانش آموزان را در یادگیری مطالب درسی بیشتر درگیر میکند و باعث میشود یادگیری عمیقتر و پایدارتری صورت گیرد و میزان یادگیری در دانش آموزان افزایش یابد . جو این کلاسها فرصت کشف فعال، کاوشگری و آزمایش را در اختیار دانش آموزان قرار میدهد . معلم، نقش زمینه سازی و هدایت جریان تدریس را بر عهده دارد . این روش تدریس مکاشفه ای بوده و بر تلاش و سخت کوشی مبتنی است، یعنی معلم به طور مستقیم پاسخ سؤالات دانش آموزان را نمی دهد، بلکه کوششی دوجانبه، از طرف معلم و شاگرد سبب افزایش میزان یادگیری در دانش آموزان و افزایش خودآگاهی میشود .

منابع

- آقازاده، محرم (۱۳۹۰). راهنمای روشهای تدریس، چاپ ششم، تهران، انتشارات آبیژ.
- امامی نیا، نیلوفر (۱۳۹۲). بررسی خودآگاهی و خود کارآمدی با کیفیت زندگی دانشجویان دختر مقیم خوابگاه دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی استان گلستان در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی گروه آموزشی مددکاری پایان نامه کارشناسی ارشد.
- تمنایی فر، محمدرضا، صدیقی ارفعی، فریبرز، سلامی محمدآبادی، فاطمه. (۱۳۸۹). رابطه هوش هیجانی، خودپنداره و عزت نفس با پیشرفت تحصیل. ی فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. شماره ۱۶، ۱۱۳-۹۹.
- خجسته مهر، رضا، عباس پور، ذبیح اله، کرایبی، امین، کوچکی، رحیم (۱۳۹۱). تأثیر برنامه موفقیت تحصیلی بر عملکرد و خود پنداره تحصیلی، نگرش نسبت به مدرسه، یادگیری شیوه موفقیت در مدرسه و سازگاری اجتماعی دانش آموزان. مجله ی روان شناسی مدرسه، شماره ۱.
- رجبی، سعید (۱۳۹۲). بررسی تأثیر روش تدریس انتقادی، ساختارگرایی بر روند یادگیری دانشجویان. نشریه موج
- رفعت پناه، مدینه (۱۳۹۲). پیشبینی خودشکوفایی بر مبنای ویژگی های شخصیتی و خودآگاهی در میان دانش آموزان شهر شیراز. داشگاه شیراز دانشکده علم تربیتی و روان شناسی، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته روانشناسی کودکان استثنایی.
- ریترز، جورج (۱۳۸۱). نظریه جامعه شناسی، ترجمه ثلاثی، چاپ ششم، تهران، علمی.
- رضوی، عباس (۱۳۹۰). مباحث نوی در فناوری آموزشی اهواز دانشگاه شهید چمران.
- سبزی، ایوب (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین سبک های مقابله ای و خودآگاهی در نوجوانان ناشنوا در شهر تهران، دانشگاه علامه طباطبائی. دانشکده علوم انسانی، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- عبدی، علی (۱۳۹۴). بررسی تأثیر مدل چرخه یادگیری مبتنی بر رویکرد اکتشافی در پیشرفت تحصیلی و نگرش به یادگیری درس علوم تجربی.
- عزیزی، حسین، نوروزی، داریوش، زارعی زوارکی، اسماعیل (۱۳۹۴). تأثیر روش تدریس بایبی در میزان یادگیری و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. دو فصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری. شماره ۳، ۵۵-۴۰.
- عظیمی، اسماعیل، جعفری هرندی، رضا، موسوی پور، سعید (۱۳۹۳). اثربخشی بازی های آموزشی رایانه ای بر پیشرفت تحصیلی و نگرش به یادگیری درس علوم. پژوهش در برنامه ریزی درسی. شماره ۵.
- فردانش، هاشم (۱۳۸۸). مبانی نوری تکنولوژی آموزشی تهران: سمت.
- کرایب، یان (۱۳۸۱). نظریه اجتماعی مدرن، ترجمه عباس مخبر، چاپ دوم، تهران، آگاه.

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۰). فصلنامه علمی - تخصصی کودک و نوجوان، سال اول ، شماره ۱ و ۲ ، تابستان و پاییز.

میرز، چت . (۱۳۷۴). آموزش تفکر انتقادی ترجمه :خدایار ابیلی .تهران :سمت.

Brooks. JG and brooks. M.G(1993).*in.search of understanding .the case for constructivist classrooms*.Alexandria VA. Association for supervision and curriculum.

Dorman, J. P. (2008). *Using Student Perceptions to compare actualand preferred classroom environment in queensland schools*.Educational Studies, 34 (۴): ۲۱۱-۳۴۸.

Verma, M. H. (2008). *Learners attitude and Its impact on languageLearning*. International conference-language issues in Englishmediu.Hong Kong.